

واکاوی تحلیلی دلالات قرینه امتنان با تکیه بر چیستی و ویژگی‌های آن

محمدجواد عابدینی^۱

چکیده

قرینه امتنان در موارد پرشماری در فهم متون دینی به کار گرفته شده است؛ با این وجود دلالت‌های این قرینه و نیز تحلیلی از چگونگی این دلالت‌ها، مورد بررسی مستقل قرار نگرفته است. مقاله حاضر به استقصا و دسته‌بندی این دلالت‌ها پرداخته است و با توجه به چیستی و ویژگی‌های امتنان به بررسی تحلیلی این دلالت‌ها اقدام کرده است. بر این اساس خطاب امتنانی، خطابی است که به ذکر نعمت از جهت نعمت بودن آن و به جهت اظهار نعمت القا می‌شود. از ویژگی‌های این خطاب انحلال امتنان نسبت به افراد آن، تمامیت در بیان و متعارف بودن مورد امتنان است که در سایه این ویژگی‌ها نتایج نظیر اثبات عمومیت، ابا از تخصیص، ترجیح تخصص در دوران بین تخصیص و تخصص، بیان حکم شرعی، مفهوم و نیز نسخ ناپذیری را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: امتنان، قرینه، ابا از تخصیص، مفهوم، نسخ، تخصص.

۱. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم، Abedini.j7713@gmail.com

مقدمه

قرینه امتنان در موارد پرشماری و به شیوه‌های مختلف، در کشف مراد متکلم به کار گرفته شده است. به‌عنوان نمونه، تنها در کتاب نکاح آیت‌الله شبیری زنجانی، این قرینه بیش از ۲۰ مرتبه مورد اشاره قرار گرفته است. با این وجود، چگونگی دلالت این قرینه بر مراد متکلم مورد بررسی واقع نشده است. این تحلیل، همانند دیگر مواردی که در علم اصول به بررسی تحلیلی ظهورات پرداخته می‌شود، همچنان که به تقویت یا تردید در ظهور وجدانی می‌انجامد، می‌تواند به دلالت به اموری منجر شود که اگرچه در نگاه نخستین از دیدگان عرف مخفی است؛ اما مجالی برای اثبات حجیت آن‌ها وجود دارد. دیگر ثمره این تحلیل، استفاده از آن در موارد تعارض دو دلالت است. این امور اهمیت، بلکه ضرورت تحلیل امتنان، به‌عنوان قرینه‌ای پرکاربرد در مجالات مختلف را اثبات می‌کند.

مقاله حاضر با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی نخست به برشماری و دسته‌بندی موارد تمسک به قرینه امتنان پرداخته است و در ادامه چگونگی دلالت امتنان، در این موارد، را مورد واکاوی قرار داده است. استقصا و دسته‌بندی موارد تمسک به امتنان در کنار تحلیل دلالت امتنان از نوآوری‌های این نوشتار است. در این مسیر در سایه بررسی ماهیت امتنان و ویژگی‌های خطاب امتنانی به تحلیل کارکردهای قرینه امتنان پرداخته شده است.

بررسی تحلیلی امتنان و کارکردهای آن، در قامت تحقیقی مستقل، مسبوق به سابقه نیست؛ با این وجود نشانه‌هایی از آن در خلال ابحاثی نظیر معنای نهی و الفاظ عام وجود دارد. همچنین می‌توان تطبیق ویژگی‌های امتنان را در خلال ابحاث مختلف فقه و اصول و تفسیر، به مناسبت وجود قرینه امتنان، شاهد بود. برائت شرعی، ادله لاضرر و لاجرح، اصالة الاباحه، آیه اذن در حجیت خبر واحد و نیز روایت نبوی منا در مبحث قطع حاصل از مقدمات عقلیه از تطبیقات امتنان در اصول و مواردی نظیر اصالة الاباحه و اصالة الطهاره، آیات بحث جواز ازدواج با کتابی و غیر آن تطبیقات امتنان در فقه به شمار می‌آید. از مقالات نزدیک به این موضوع می‌توان به مقاله «مفهوم‌شناسی احکام امتنانی» (خادمی

کوشا، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۳۱) اشاره کرد. این مقاله امتنان را وصف حکم می‌داند، حال آن که از دیدگاه مقاله حاضر امتنان قرینه‌ای در تعبیر است. همچنین در دو مقاله «تطبیقات فقهی شرط موافقت با امتنان در اجرای برائت» (خادمی کوشا، ۱۳۹۷، ص ۶-۲۷) و «تطبیقات فقهی آثار مخالفت با امتنان در اجرای برائت» (خادمی کوشا، ۱۳۹۷، ص ۲۹-۴۹)، به تطبیق برخی از ویژگی‌های خطاب امتنانی پرداخته شده است که گذشته از اختصاص آن به برائت، تحلیلی در مورد علت این ویژگی‌ها به دست نمی‌دهد. از دیگر مقالاتی که امتنان را مورد بررسی قرار داده است، مقاله «مفهوم‌شناسی امتنان و سنجش با واژگان مشابه است» (مجدخوانی؛ فخلعی؛ سلطانی، ۱۳۹۸، ص ۶۰۱-۶۱۸). این مقاله به مقایسه امتنان با واژگان همگن پرداخته است و واژه سهل و رفق را نیز به معنای امتنان دانسته است.

۱. بازشناسی امتنان

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی امتنان

امتنان مصدر باب افتعال و از ماده «م.ن.ن» است. این ماده در سه معنای قطع، اعطاء نعمت و اعطاء نعمتی که در آن بخشنده انتظار بازگشت عطاء یا قدردانی نداشته باشد، استعمال شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۷۴) همچنین این ماده به معنای برشماری نعمت‌ها نیز آمده است؛ (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۳۳۹) اما برخی لغویان آن را استعمالی مجازی می‌دانند که به علاقه سببیت یا مشابهت به کار گرفته شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷۷ و ۷۷۸) در جانب هیأت، اگرچه مطاوعه، اتخاذ و تصرف سه معنای غالبی باب افتعال است؛ (رضی الدین استرآبادی، بی تا، ص ۱۰۸) اما امتنان در معنای ثلاثی مجرد خود استعمال شده است. بعید نیست که عدول از استعمال صیغه ثلاثی مجرد به ثلاثی مزید، به داعی تأکید باشد. بر این اساس امتنان به معنای اعطای نعمت یا بیان آن است، که در هر یک از این دو معنا تأکیدی مضاعف را دلالت می‌کند. در کلمات اصولیان نیز دو معنای یاد شده، یعنی نعمت دادن و اظهار نعمت، به چشم می‌خورد. این واژه هیچ‌گاه به طور مستقل در کلمات اصولیان تعریف نشده است. بر این

اساس، فهم مراد از این واژه در گرو تتبع استعمالات ایشان خواهد بود. در استعمال فقها و اصولیان، گاه «اظهار شفقت و لطف» عطف به «امتنان» شده است که امتنان را به اظهار نعمت تفسیر می‌کند. (کاشف الغطاء، ۱۳۱۹ق، ص ۱۵۵) و گاه «امتنان» مضاف الیه «بیان» واقع شده است؛ که گویای آن است که بیان در معنای امتنان وجود ندارد؛ زیرا در غیر این صورت، اضافه بیان منجر به حشو می‌شود. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۱۴) این اختلاف تعبیر، به دو مورد یاد شده منحصر نیست و فحص بیشتر می‌تواند گواهی بر وجود هر دو معنا در کلمات فقها و اصولیان باشد.

با وجود اختلاف پیش‌گفته در استعمالات مختلف، به نظر می‌رسد امتنان در اکثر موارد، در معنای منت نهادن، استفاده شده باشد؛ نه نعمت دادن. شاهد، آن که در بخش نواهی، یکی از اغراض نهی، امتنان شمرده شده است و برای این معنا مثال‌هایی عرفی مانند «لانخف فی داری» ذکر شده است. (اصفهان‌نجفی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۶؛ طارمی، ۱۳۰۹ق، ج ۱، ص ۲۵۸) روشن است که این نهی، نعمت به شمار نمی‌آید. و اگر این خطاب امتنانی دانسته می‌شود از آن روست که به بیان نعمتی، که در این مثال امنیت خانه است، می‌پردازد. در بحث عموم به مثال‌هایی مانند «فیهما فاکهه و نخل و رمان» و «و انزلنا من السماء ماء طهورا» اشاره شده است. (اصفهان‌نجفی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۴۳ و ۲۴۴) که هر دو خبر از نعمت‌های خداوند هستند. هم‌چنین با جستجو در موارد متعددی که در تفسیر و فقه و اصول امتنانی خوانده شده است، می‌توان به اطمینان دست یافت که مراد از امتنان، اظهار نعمت است نه نعمت دادن.

حذف امتنان از مباحث نواهی و عام و خاص و نیز تمرکز بر امتنانی بودن قواعدی نظیر براءت و لاضرر که احکامی ترخیصی هستند، منجر به آن شده است که امتنانی بودن به معنای ترخیصی بودن یا سهولت حکم دانسته شود. شهید صدر امتنانی بودن حدیث لاضرر را به معنی آن دانسته است که مکلف بعد از جریان قاعده، اوضاعی بهتر از قبل از جعل آن خواهد داشت. (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۴۸۲) برخی از این عبارت چنین استفاده کرده‌اند که شهید صدر امتنانی بودن را در گرو ترخیصی بودن می‌داند. (خادمی‌کوشا،

۱۳۹۱، ص ۱۱۴) با این وجود این معنا، معنای صحیحی به نظر نمی‌رسد. گذشته از آنچه در بند پیشین گفته شد، احکام ترخیصی، خود در موارد متعددی مدلول التزامی خطاباتی هستند که امتنانی دانسته شده‌اند و این احکام ترخیصی، که به برخی از آن‌ها در ادامه این مقاله در بخش دلالت بر حکم شرعی اشاره خواهد شد، گویای تأخر ترخیص بر امتنان است. با توجه به این نکته نمی‌توان امتنانی بودن را به معنای جعل احکام ترخیصی و آسان پنداشت.

اهمیت این اختلاف، تنها در تشخیص مصادیق امتنان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تأثیر این اختلاف در تشخیص مصداق حکم‌های امتنانی ناچیز است؛ زیرا احکامی که به لسان امتنان بیان شده‌اند، به علت برخی از اقتضائات امتنان، به طور عمده، احکام ترخیصی و سهل هستند. آن چه به این اختلاف اهمیت می‌بخشد، اختلاف این دو اصطلاح در ویژگی‌هایی است که به دنبال بررسی آن‌ها در مورد امتنان هستیم. به عنوان مثال، اگر امتنان به معنای نعمت دادن باشد؛ تخصیص، قبیح نیست؛ زیرا معلوم است که اعطا همه نعمت‌ها بر خداوند لازم نیست؛ اما معنای امتنان به معنای اظهار نعمت می‌تواند سرنوشت دیگری برای این اوصاف رقم زند. بر همین اساس می‌توان اوصاف مغایری که هر یک از این دو معنا، برای امتنان ثابت می‌کنند را مهم‌ترین ثمره اختلاف دو اصطلاح دانست. همچنین با توجه به تفاوت دو معنی یادشده، می‌توان این دیدگاه که دلیل امتنانی همواره با عمومات فوقانی خود رابطه حکومت یا ورود دارد، را تخطئه نمود. خطاب امتنانی همواره به بیان حکم ثانوی نمی‌پردازد و مفاد آن در بسیاری از موارد حکم اولی است. چه بسا مواردی که خطاب امتنانی تخصیص خطابی دیگر به شمار رود که نمونه‌هایی از آن، در بخش کارکردهای امتنان بیان خواهد شد.

۱-۲. احراز امتنان

بهره‌گیری از آثار خطاب امتنانی در گرو احراز امتنان است. گذشت که امتنان در کلام اصولیان به معنای اظهار نعمت است؛ با این وجود، این احتمال وجود دارد که بیان نعمت

به اغراضی غیر از اظهار نعمت، صورت پذیرد. بر این اساس، خطاب امتنانی خطابی است که در آن اظهار نعمت از جهت نعمت بودن آن و به انگیزه اظهار نعمت صورت پذیرد. کشف نعمت بودن مدلول خطاب، اولین چالش در مسیر شناخت امتنان است. گاه اظهار نعمت با واسطه معانی دیگر و به نحو التزامی صورت می‌گیرد، همچنین گاه برخی از مراتب معنا از حقوق مخلوق است که خداوند بر خود واجب ساخته است، و برخی دیگر از مراتب، نعمتی است که خداوند به او اعطا کرده است. این تشکیک منجر به مخفی شدن نعمت بودن مدلول می‌شود. این امور و نظایر آن شناخت نعمت بودن مدلول خطاب را با دشواری مواجه می‌سازد.

چالش دیگر در کشف امتنانی بودن خطاب، پی‌بردن به جهت ذکر نعمت است. کشف این جهت در مواردی ناشی از ظهور فعل متکلم و در برخی موارد ناشی از حدس مخاطب نسبت به انگیزه اوست. می‌توان ادعا نمود حدس مخاطبین در مواردی که متکلم به ذکر نعمت می‌پردازد و قرینه‌ای بر وجود انگیزه دیگری در میان نیست، دلالت بر امتنان و اظهار نعمت خواهد داشت. این حدس به نحوی است که عرف در محاورات خود بدان اعتنا می‌کند و ردعی نیز از شارع نرسیده است و بر این اساس می‌توان ذکر نعمت در کلام شارع را بر آن حمل نمود. با این وجود شکل‌گیری این حدس در مورد خداوند با مشکل دیگری مواجه است. توضیح آن که منت‌نهادن، نزد عرف مستحسن نیست و در مواردی قبیح شمرده می‌شود. بر این اساس حدس مخاطبین به امتنانی بودن گفته فاعل حکیم شکل نخواهد گرفت. این مشکل با توجه به تقبیح امتنان، در قرآن مجید پیچیده‌تر خواهد شد. خداوند در آیه ۱۸ سوره شعرا از امتنان فرعون به گونه‌ای مذمت‌آمیز یاد می‌کند. همچنین در آیه ۲۶۴ از سوره بقره منت‌نهادن را موجب حبط پاداش صدقه معرفی کرده است.

با توجه به توضیح پیشین، حتی در صورتی که امتنان به خودی خود قبیح نباشد، با چنین ارتكازی، حدس به امتنان در کلمات الهی شکل نخواهد گرفت. آنچه بیان شد در مورد دلالت حدسی کلام بود که از سنخ دلالت‌هایی نظیر دلالت اقتضاء است؛ اما در

دلالت فعل متکلم یا به تعبیری ظهور حالی او می‌توان ملتزم شد که چنین ظهوری در صورتی که به واقع عاری از قبح باشد، حتی در صورتی که عرف آن را قبیح بیندارد، حجت است. با این همه می‌توان بر این باور بود که نه تنها امتنان به خودی خود قبحی ندارد؛ بلکه عرف نیز به قبح همه موارد آن حکم نمی‌کند. حکم به قبح در مواردی از امتنان ناشی از ایذاء و هتکی است که مقارن با آن اتفاق می‌افتد. شاهد آن که اگر منت نهادن به عنوان شیوه‌ای برای وعده به دوام نعمت و یا استدلال به کار رود قبیح به شمار نمی‌آید. این نکته در کلام برخی مفسران نیز مورد اشاره قرار گرفته است. ایشان امتنان الهی را به داعی ایجاد رجاء در دل مومنان و اتمام نعمت الهی در حق خلق برشمرده‌اند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۹۶) در این موارد گذشته از قبح، می‌توان مدعی حسن امتنان توسط شارع شد.

یکی از قرائنی که در اثبات نعمت بودن امری مورد استفاده قرار گرفته است، اختصاص و تمایز است. مرحوم حکیم در التقیح از «تمیز» به عنوان قرینه در کشف امتنانی بودن روایت یاد کرده‌اند. ایشان این قرینه را تنها در حد اشعار مفید می‌شمرند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۴۷) مراد از تمیز، متمایز بودن کسانی است که نعمت به ایشان داده شده است. این دلالت از آن نشئت می‌گیرد که معمولاً نعمت شمردن یک امر در گرو اختصاص آن به فرد یا گروهی خاص است و چنانچه امری بین همگان مشترک باشد نعمت بودن آن متعارف نیست. بر این اساس اگر امر مطلوبی به گروه خاصی تعلق یابد، دلالت بر آن دارد که خطاب درصدد بیان نعمت و امتنان است. با این وجود به نظر می‌رسد این دلالت، همان‌گونه که در کلام مرحوم حکیم نیز ذکر شده است، فراتر از اشعار نیست؛ زیرا حتی در صورتی که هر نعمتی مختص باشد، چنان نیست که هر امر مختصی نعمت باشد و ادعای انصراف امور مختص به اختصاص به جهت نعمت نیز، ادعایی بلاوجه است.

همچنین در موارد بسیاری از لام انتفاع در مقام امتنان استفاده شده است. از تعبیر مرحوم شیخ در رسائل چنین به نظر می‌رسد که ایشان امتنانی بودن آیه را از اموری

استفاده کرده‌اند که لام انتفاع نیز از جمله آن‌هاست. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲) با این وجود، تذکر این نکته لازم است که هر واجدیت انتفاعی، نعمت به شمار نمی‌آید و ممکن است که این واجدیت به جهت استحقاق منتفع باشد، نه نعمت بر او. یا ممکن است به دلیل توهم ممنوع بودن انتفاع و غیر آن باشد؛ هرچند حدس نسبت به نعمت بودن متعلق در این مورد بعید نیست.

از دیگر قرائنی که در کشف امتنان مورد استفاده قرار گرفته است؛ انتساب به رسول الله ﷺ است. مرحوم خوئی این انتساب در حدیث رفع را گویای امتنانی بودن این حدیث برشمرده‌اند. (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۹۴) در این موارد ذکر انتساب به رسول الله ﷺ به عنوان وصف، مشعر به علیت آن در ثبوت امر مطلوب است. از سوی دیگر گواه این خواهد بود که اگر این انتساب وجود نداشت؛ استحقاقی نیز بر امر مطلوب نبود و بر این اساس، احراز امتنان صورت می‌گیرد. نکته‌ای که استفاده از این قرینه را دشوار می‌کند؛ احراز این نکته است که تعلق امر مطلوب به واسطه شرافت این انتساب صورت گرفته است.

قرینه دیگر در احراز امتنان، آن است که عقل، حکمی به لزوم انجام فعل بر فاعل امتنان نداشته باشد. این قرینه نیز در کلمات برخی از اصولیان به کار گرفته شده است. (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۴۷) با این حال، عدم وجدان دلالتی بر عدم وجود ندارد. و از این جهت نمی‌توان آثار خاص خطاب امتنانی را در این موارد جاری دانست. گفتنی است احراز امتنان در بیشتر موارد از اجتماع این قرائن و برخی از قرائن موردی محقق می‌شود که دقت در جزئیات خطاباتاتی که در مظان امتنانی بودن هستند را دارای اهمیت می‌سازد.

۲. ویژگی‌های امتنان

چنان‌که گذشت امتنان به‌عنوان فعلی از افعال الهی در صورتی می‌تواند محقق شود که شرایطی در آن مراعات شده باشد. این شرایط در حقیقت، محقق امتنان اخلاقی به شمار می‌آیند و در ادامه می‌توانند به شکل‌گیری برخی از ظهورات کمک کنند. آن چه در این

بخش بررسی خواهد شد، شرایط و ویژگی‌های امتنان اخلاقی است و در بخش آتی یعنی کارکردهای امتنان، ظهوراتی که ریشه در امتنایی بودن خطاب دارند بررسی خواهد شد.

۱-۲. انحلال امتنان نسبت به افراد عام و اطراف عطف

اگر در خطاب امتنایی، عام یا مطلق انحلالی وجود داشته باشد، مقتضی آن است که امتنان نسبت به همه افراد محقق شود. این خصوصیت مبنای برخی از کارکردهای قرینه امتنان است. ابا از تخصیص خطاب امتنایی، که در مواردی به کشف معنایی مغایر با برداشت اولیه از خطاب امتنایی می‌انجامد، بر آمده از این ویژگی است. استفاده از این ویژگی را می‌توان در مواردی نظیر حدیث رفع و لاضرر و آیه اذن شاهد بود. در حدیث رفع و لاضرر تنها مواردی مرفوع و متنفی دانسته شده است که رفع و نفی آن‌ها امتنایی باشد. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۳۳ و ۶۳۲؛ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۵) و در آیه اذن، مراد از تصدیق، تصدیقی خواهد بود که خلاف امتنان نباشد و در نتیجه تصدیق، ظاهری خواهد بود. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲)

در مقابل، برخی تحقق امتنان به مجموع افراد عام را در این موارد ممکن دانسته‌اند. (تبریزی، ۱۳۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۶) این دیدگاه در مواردی با توجه به قانونی بودن احکام و متفاوت بودن آن با خطابات شخصی توجیه شده است. بر این اساس امتنایی بودن خطاب، به نعمت بودن کلیت آن قانون است، هرچند در خصوص همه افراد نعمت نباشد. ([امام] خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۲۶ و ۵۲۷) همچنین برخی دیگر از اصولیان با تشبیه امتنان به حکمت، در مقابل علت، تحقق اجمالی امتنان را مکفی دانسته‌اند؛ بر این اساس اگر حکم نسبت به برخی از افراد عام یا اکثر افراد آن نعمت محسوب شود، می‌توان خطاب را امتنایی دانست. (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۳۲)

نظیر این بحث در مورد عطف واقع در سیاق امتنان نیز مطرح شده است. اگر در سیاق امتنان، عطفی وجود داشته باشد و هریک از اطراف عطف مستقلاً مراد باشد، همه اطراف عطف امتنایی خواهد بود. این ویژگی خطاب امتنایی را می‌توان در حدیث رفع مشاهده کرد. در این حدیث اموری مانند آن چه معلوم نیست و آن چه مقدور نیست از مکلفین

رفع شده است؛ با این وجود نعمت بودن برخی از اطراف عطف معلوم نیست. به عنوان مثال تکلیف به غیر مقدور قبیح است و عدم عقاب بر آن نعمتی به مکلفان نیست؛ بلکه از حقوق ایشان به شمار می‌آید که خداوند بر خود لازم نموده است. به جهت رفع این اشکال، برخی امتنان را در رفع مجموع این امور دانسته‌اند. این بیان، مورد اعتراض بسیاری از اصولیان قرار گرفته است، تا بدان جا که شیخ انصاری از این احتمال با تعبیر «شطط من الکلام» یاد کرده است. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۰) امتنان به مجموع از جهت برخی از افراد آن، مستلزم ضمیمه کردن غیر نعمت به نعمت در مقام امتنان است که بسیار قبیح است و برخی از اصولیان این مطلب را تذکر داده‌اند. (خراسانی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۳) این امر باعث آن شده است که امتنانی بودن همه افراد و اطراف توجیه شود.

۲-۲. عدم تحقق خلاف امتنان نسبت به دیگران

امتنان در خطاب امتنانی تنها نسبت به کسانی لازم است که در دلیل ذکر شده‌اند و اگر نسبت به غیر ایشان امتنانی وجود نداشته باشد، مانعی ندارد. با این وجود نباید از امتنان در حق عده‌ای، خلاف امتنان در حق جمع دیگری اتفاق بیفتد. به تعبیر صریح‌تر، امتنان تنها نسبت به حق الله ممکن است و نمی‌تواند با تضييع حقوق عبد دیگری محقق شود. بر این اساس مرحوم شیخ انصاری دلالت حدیث رفع بر عدم ضمان در صورتی که اتلاف مال غیر به سهو یا نسیان صورت پذیرد را نمی‌پذیرند. همچنین اضرار به دیگران برای جلوگیری از ضرر خود را جایز نمی‌شمرند. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۵) در مقابل این احتمال وجود دارد که امتنانی بودن موجه دانسته شود. یعنی اگرچه امتنان در مورد عده‌ای خلاف امتنان است؛ با این وجود ممکن است خطاب به صورت کلی امتنان در حق ایشان باشد. بر این اساس خسارت ایشان در زمانی دیگر که خود ایشان مورد امتنان قرار می‌گیرند جبران خواهد شد. این بیان نظیر بیانی است که از مرحوم امام خمینی در بخش سابق مورد بحث قرار گرفت. با این حال به نظر می‌رسد در این صورت امتنانی بودن خطاب متعارف نیست و چنانچه در ادامه، بحث خواهد شد امتنان به چنین نعمتی

صحیح نخواهد بود. گذشته از آن که سخن در این بخش با پذیرش امتنانی بودن افراد است که این بیان مخالف آن است.

۲-۳. اقتضاء تمامیت در ذکر

امتنان مقتضی تمامیت بیان دانسته شده است. بر این اساس هرگاه در سیاق امتنان، نعمتی ذکر می‌شود، لازم است نعمت‌های دیگر مرتبط با آن که در تحقق غرض از امتنان مؤثر است نیز بیان شود. همچنین اگر در این سیاق، از طبیعتی بدون ذکر قید یاد شود نشانه آن است که همه حصص آن طبیعت نعمت هستند و به تعبیری قیدی در مراد جدی متکلم وجود ندارد. نشانه دیگر این ویژگی آن است که هرگاه قیدی در سیاق امتنان بیان شود، آن قید نشانگر حدود نعمت است و حمل بر غالب نخواهد شد. البته این به معنای احترازی بودن قید نیست و چه بسا افراد دیگری که فاقد قید مزبور هستند نیز سهم در حکم باشند؛ باین حال، آن چه مسلم است شمول حکم نسبت به این افراد، نعمت محسوب نمی‌شود.

در آیه «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا» (آل عمران/۱۶۴)، فعل «بَعَثَ» با حرف «فی» متعدی شده است. این به خلاف آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا» (مزمل/۱۵) است که تعدی در آن با حرف «الی» صورت گرفته است. برخی از مفسران این اختلاف را ناشی از آن دانسته‌اند که آیه نخست در مقام امتنان است. به عقیده ایشان مقام امتنان مقتضی آن است که تمام آنچه امتنان به واسطه آن انجام می‌شود بیان گردد و این که پیامبر در میان مسلمانان است نیز از نعمت‌هایی است که خدا به واسطه آن بر مردم منت می‌گذارد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰-۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۸)

در تحلیل و چرایی این ویژگی بیانی ارائه نشده است؛ با این وجود می‌توان این ویژگی را برخاسته از حکمت متکلم و در راستای جلوگیری از نقض غرض دانست. ذکر نعمت‌های بیشتر و تفصیل در بیان این نعمت‌ها در راستای غرض امتنان، یعنی لطف و نزدیکی بنده به اطاعت، است. بر این اساس این بیان نیکو بوده و حتی در مواردی ترک

آن قبیح است. با این وجود این ویژگی، ویژگی اقتضایی امتنان است و در صورتی که مانع یا مصلحت غالبی وجود داشته باشد از آن صرف نظر می‌شود.

۲-۴. متعارف بودن و حقیر نبودن مورد امتنان

امتنان باید به چیزی صورت پذیرد که نعمت بودن آن مورد قبول باشد. همچنین مورد امتنان نباید به قدری حقیر باشد که امتنان به آن مستهجن به شمار آید. این ویژگی در مواردی باعث شناخت صحیح معنای مد نظر متکلم می‌شود. در حدیث رفع برخی احتمال داده‌اند که مرفوع احکامی باشد که با حکم مجهول، ملازمه شرعی دارند و به این ترتیب در حقیقت این ملازمه به فرض علم مختص شود. یکی از این احکام ملازمه میان بطلان نماز و وجوب اداء دین است. مرحوم فشارکی این احتمال را در حدیث رفع صحیح نمی‌داند و می‌فرماید در این صورت امتنان به امری حقیر تحقق خواهد یافت. (فشارکی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲ و ۴۳)

امتنان به امور غیرمتعارف و ناشناخته و نیز اموری که عرفاً حقیر یا نادر هستند قبیح است و از خداوند صادر نمی‌شود. تعلق امتنان به امری که مورد شناخت و اعتراف نیست، اثر مورد انتظار از امتنان یا شکر را به دنبال نخواهد داشت و به این ترتیب نقض غرض به شمار می‌آید. از سوی دیگر چنین امتنانی به صورت نوعی یا لااقل در مواردی باعث برانگیختن لجاجت مخاطب خواهد بود که خلاف لطف است. همچنین امتنان به امر حقیر، مستهجن به شمار می‌آید و عقلاً چنین امتنانی را قبیح می‌شمرند. بر این اساس امتنان به نعمت‌های کوچک و ناشناخته قبیح بوده و از خداوند محقق نخواهد شد.

۳. کارکردهای امتنان

ویژگی‌های یادشده در مورد خطاب امتنانی زمینه‌ساز تحقق ظهوراتی در کلام خواهد شد، چنان‌که گاهی از تحقق برخی ویژگی‌ها برای خطاب خبر می‌دهند. در این مقاله از این ظهورات و ویژگی‌ها با عنوان کارکردهای مقام امتنان یادشده است. بررسی تفصیلی این کارکردها زمینه‌ساز استفاده بیشتر و دقیق‌تر از ظرفیت‌های این قرینه خواهد بود. در ادامه

شش ویژگی اثبات عمومیت، ابا از تخصیص، اصالت تخصص، دلالت بر برخی مدالیل التزامی، اثبات مفهوم و نیز نسخ ناپذیری بررسی خواهد شد.

۳-۱. اثبات عموم

گاه از امتنان به مثابه دلیلی بر عمومیت لفظ یاد شده است. مراد از عموم مورد بحث عموم استغراقی است، نه عموم بدلی. با این وجود گاه در برخی از کلمات، این عموم به نحو عموم بدلی معنا شده است که خروج از محل نزاع است. شهید ثانی، در تمهید القواعد خویش، متذکر این خلط شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۶) از دلالت این شیوه کلامی در کلمات اصولیان سخن رفته است. شهید ثانی در تمهید القواعد نکره در سیاق اثبات را در صورتی که در مقام امتنان باشد مفید عموم دانسته است و فرموده است این معنا را جماعتی ذکر کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۶) همچنین فاضل تونی در وافیه فرموده است که برخی نکره در سیاق اثبات را در صورتی که در مقام امتنان باشد از الفاظ عموم می‌دانند. (فاضل تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۲) از دیگر کسانی که به اثبات عموم به قرینه امتنان اشاره کرده است مرحوم نراقی در انیس المجتهدین است. ایشان نکره در سیاق اثبات و در مقام امتنان را از مواردی می‌داند که اثبات عموم به واسطه آن مورد اختلاف است. (نراقی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۷۰۷) این بحث همچنین در هدایه المسترشدین با تفصیلی بیشتر مطرح شده است. (اصفهان‌نجفی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۴۳) و این همه حکایت از آن دارد که اثبات عام به کمک قرینه امتنان امری آشنا در میان اصولیان است. دیدگاه اصولیان در اثبات عموم با چنین قرینه‌ای یکسان نیست. نکره در سیاق اثبات و در مقام امتنان در کتب بیشتر پیشینیان و نیز کتب قریب به اتفاق معاصرین در میان الفاظ عموم ذکر نشده است. از میان کسانی که به ذکر این قرینه بر عموم پرداخته‌اند؛ شهید ثانی و مرحوم نراقی دلالت این شیوه کلامی بر عموم را تأیید کرده‌اند. (شهید ثانی، تمهید القواعد، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۶؛ نراقی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۷۱۵) مرحوم فاضل تونی تنها به اخبار از چنین الحاقی اکتفا کرده‌اند که، به نظر، گویای توقف ایشان است. صاحب کتاب هدایه المسترشدین قول به تفصیل را برگزیده است؛ به این صورت که اگر امتنان

به صرف طبیعت محقق می‌شود دلالتی بر عموم نخواهد کرد و اگر امتنان متوقف بر عموم است دلالت بر عموم تمام است. (اصفهان‌نجفی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۴۳) همچنین در کتاب انیس المجتهدین به گونه دیگری تفصیل داده است. بدین صورت که اگر خطاب، إخبار باشد باید به واقع توجه نمود و اگر انشاء باشد عموم ثابت است. (نراقی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۷۱۵) بر این پایه می‌توان اقوال موجود در مسأله را چهار قول قلمداد کرد.

وجه این دلالت به این نحو است که نکره امکان صدق بر همه مسمیات خود را داراست و اگر امتنان تنها به فرد یا افراد خاصی تعلق گرفته بود، باید ذکر می‌شد. این بایستگی از آن جهت است که امتنان، اقتضاء می‌کند که تمامی آنچه در نعمت بودن دخیل است بیان شود و نعمت تعیین گردد. بر این اساس امتنان به همه افراد مطلق تعلق گرفته است و بالملازمه فهمیده می‌شود که حکم، مربوط به تمام افراد عام است. برای وضوح بیشتر این مطلب می‌توان تطبیق آن را در آیه شریفه «وَيُنزَلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ لِيُطَهَّرَكُمْ بِهِ» (الانفال/۱۱) مشاهده کرد. توضیح آن که اگر چه «ماء» در آیه نکره در سیاق اثبات است اما از آن عموم استغراقی استفاده شده است. بر همین اساس است که برخی از فقها به توجیه این آیه در خصوص آب‌های زیرزمینی و غیر آن پرداخته‌اند و گفته‌اند این آب‌ها نیز نخست باران بوده‌اند و یا این که مراد از «سما» در آیه جهت علو است نه آسمان. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۴۹)

۳-۲. ابا از تخصیص

ابا از تخصیص توسط مخصص منفصل از کارکردهای قرینه امتنان به شمار می‌آید. مرحوم تبریزی در اوثق الوسائل با پذیرش این کارکرد، به بررسی مراد در آیه اذن پرداخته‌اند. (تبریزی، ۱۳۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۷) همچنین شیخ انصاری در بحث از قاعده «رب عام یقدم علی الخاص» وقوع در مقام امتنان را از اموری دانسته‌اند که تخصیص عام را مستنکر می‌کند. (انصاری، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۲۳۳) این معنا در کلام امام خمینی نیز مورد اشاره قرار گرفته است و ایشان با عنایت به امتنانی بودن لاضرر و لاجرح که ابا از تخصیص را

به دنبال دارد حرجی بودن برخی از احکام شریعت و تنافی آن با قاعده یاد شده را بررسی کرده‌اند. ([امام] خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۳)

عدم تخصیص خطاب امتنانی مورد پذیرش همه علما نیست. چنان که گذشت شیخ انصاری و بسیاری دیگر از فقها و اصولیان خطاب امتنانی را آبی از تخصیص می‌دانند؛ با این وجود برخی دیگر، نظیر مرحوم حلی، این ویژگی را برای امتنان نمی‌پذیرند. سازگار بودن تخصیص با امتنان امری است که در کلمات ایشان مورد تصریح قرار گرفته است. (حلی، ۱۳۹۷ق، ج ۷، ص ۱۶۶) همچنین برخی دیگر، تخصیص این گونه خطابات را تنها در شرایطی جایز می‌دانند که خود مخصص نیز امتنانی باشد و به این گونه قائل به تفصیل هستند. به نظر می‌رسد این دیدگاه آیه‌الله سیستانی مبتنی بر مبنای ایشان در انحلال خطاب امتنانی نسبت به افراد است. بر این اساس ایشان امتنانی نبودن برخی از افراد عام را ممکن می‌شمرند و تخصیص را در فرضی صحیح می‌دانند که مخصص خود امتنانی باشد. (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۸) با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان شمار دیدگاه‌ها در قبال ابا از تخصیص خطاب امتنانی را، سه دیدگاه دانست.

امتنانی بودن خطاب ظهور آن را در عموم تقویت می‌کند مضافاً به این که تخصیص در این موارد مستلزم امتنان نسبت به غیر متنعین است که قبیح شمرده می‌شود. این دو دلیل باعث آن می‌شود که دلیل امتنانی بر عموم خود باقی بماند و تخصیص پذیر نباشد. روشن است این ادله تنها در مورد مخصص منفصل مطرح است و نسبت به مخصص متصل از آغاز ظهوری در عموم شکل نمی‌گیرد تا اشکالات یادشده مطرح شود.

۳-۳. اثبات تخصص در دوران بین تخصیص و تخصص

از دیگر کارکردهای امتنان در استظهار، ترجیح جانب تخصص، در دوران بین تخصیص و تخصص است. در بحث عام و خاص، تمسک به اصالة العموم برای اثبات اصالة التخصص در دوران بین تخصیص و تخصص بررسی شده است. (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۵۳) با این وجود بحث حاضر ارتباطی به بحث پیش گفته ندارد و می‌توان با وجود انکار اصالة التخصص در آن مقام، در این بحث اصالة التخصص را پذیرا بود. سید یزدی

از کسانی است که علی رغم انکار تمسک به اصالة العموم برای اثبات تخصص، (یزدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۶۲)؛ امتنانی بودن خطاب را موجب ترجیح تخصص می‌داند. ترجیح تخصص در مقام امتنان و به تبع آن کشف ظهوری جدید از دلیل نه تنها مورد اعتراض ایشان قرار نگرفته است که توسط ایشان تقریر شده است که گویای قبول این استفاده است. (یزدی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۷۸)

اثبات تخصص آثاری به دنبال دارد. یکی از این آثار رفع اجمال است. در دوران بین تخصیص و تخصص، گاه مراد استعمالی عام یا خاص معلوم نیست که اصالت تخصص می‌تواند به رفع این اجمال کمک می‌کند. فقها و اصولیان در مواردی به این کارکرد اشاره کرده‌اند. مرحوم شیخ انصاری، حدیث رفع را مختص به چیزی می‌داند که در رفع آن خلاف امتنانی نسبت به امت صورت نگیرد. ایشان از تعبیر «لایدخل» استفاده می‌کنند که مشعر به خروج تخصصی است. همچنین این بیان را در سیاق پاسخ به اشکال تخصیص کثیر یا اکثر ذکر کرده‌اند که با خروج تخصصی مناسبت بیشتری دارد. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۵)

۳-۴. دلالت بر حکم شرعی

امتنانی بودن یک کلام گاه دلیلی بر حکم شرعی به شمار آمده است. در کنز العرفان آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (البقره/۲۹) با توجه به امتنانی بودن، دال بر اصالت اباحه دانسته شده است. همچنین در همین کتاب از آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء، ۳۰) و با توجه امتنانی بودن آن، اباحه آب استفاده شده است. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۹۸ و ص ۳۱۳) از دیگر موارد این استفاده می‌توان به استفاده جواز کشتیرانی از آیه «الْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ» (البقره/۱۶۴) اشاره کرد. این تمسک، که توسط اهل سنت صورت گرفته، در رفع توهم حذری است که از نهی خلیفه دوم نسبت به کشتیرانی مجاهدان ناشی شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰-۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۸۱) از دیگر موارد استفاده از مدلول التزامی خطاب استفاده حلیت زینت کردن مردان با مروارید است. ابن عربی از آیه «وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا» (النحل/۱۴) و با توجه به امتنانی بودن آن چنین استفاده‌ای کرده است؛ او همچنین این

زینت حلال را با توجه به برخی دیگر از آیات مروارید دانسته است. (ابن‌العربی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۱۴۸) از موارد دیگر این کاربرد می‌توان به استفاده و جوب دفن میت از آیات «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءً وَأَمْواتًا» (مرسلات/ ۲۵ و ۲۶) اشاره کرد. ابن‌عاشور امتنان در این آیات را گواه آن می‌داند که شیوه دیگری در قبال جسد مقبول نیست و دفن میت واجب است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰-۱۴۲۱ق، ج ۲۹، ص ۴۰۰)

۳-۵. اثبات مفهوم

گاه از امتنان در اثبات مفهوم برای خطاب استفاده شده است. بر همین اساس است که برخی تنها از اجزاء زمین، خاک را، مطهر می‌دانند. توضیح آن که در روایت نبوی «جعلت لی الارض مسجدا و ترابها طهورا» (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۲۰)، میان مسجد و طهور، واژه «تراب» حائل شده است و به این ترتیب «طهور» مفعول دوم و «تراب» مفعول اول است. این اتفاق برخی از فقها را بر آن داشته است تا از میان اجزاء زمین، تنها خاک را مطهر بشمارند. این فقیهان در این مدعی به لغویت ذکر تراب و نیز قرینه امتنان تمسک کرده‌اند. (عاملی بهاء‌الدین، ۱۳۹۰ق، ص ۹۰) همچنین با توجه به امتنانی بودن جواز ازدواج مردان با چهار همسر، برخی، از آیه، حرمت ازدواج ایشان با بیش از این تعداد را استفاده کرده‌اند. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۸۳) از دیگر موارد این استفاده می‌توان به استفاده حرمت دفن نکردن میت اشاره کرد. این مطلب که پیش‌تر در بخش اثبات مدلول التزامی گذشت می‌تواند ریشه در مفهوم آیه داشته باشد. بر این اساس می‌توان از مفهوم به عنوان یکی از ثمرات امتنان یاد کرد.

چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد این کارکرد خطابات امتنانی ریشه در ویژگی اقتضا تمامیت بیان در این خطابات دارد. ویژگی تمامیت در ذکر خطاب امتنانی اقتضا آن دارد که هر آن چیزی که امتنان با آن محقق می‌شود ذکر شود. این مقدمه در صورتی که به مقدمه دیگری یعنی خصوصیت نداشتن مواردی که به‌عنوان نعمت یادشده‌اند ضمیمه شود می‌تواند دلیل بر احترازی بودن قید یا عنوان باشد. از سوی دیگر ویژگی یاد شده

می‌تواند دلالت بر سنخ الحکم بودن، حکم در خطاب داشته باشد و بر این اساس دو نتیجه مفهوم ثابت خواهد بود.

۳-۶. نسخ ناپذیری احکام مدلول خطاب امتنانی

از دیگر کارکردهای ذکر شده برای خطاب امتنانی نسخ ناپذیری این خطاب است. در جواز ازدواج با زنان اهل کتاب اختلافی وجود دارد که گاه از قرینه امتنان برای رفع آن استفاده شده است. به مقتضای آیه پنجم سوره مائده ازدواج با زنان اهل کتاب جایز است؛ اما برخی از فقیهان عمل به آیه را جایز نمی‌دانند و این آیه را، منسوخ دانسته‌اند. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳۹۴). چنانچه در برخی از روایات نیز اشاره شده است که (عاملی حر.، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۵۳۲ و ۵۳۳)، با آیه «وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ» (الممتحنه/۱۰) و یا با آیه «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ» (البقره/۲۲۱) نسخ شده است. در مقابل برخی دیگر، با عنایت به امتنانی بودن آیه پنجم سوره مائده، منسوخ بودن آن را قابل قبول نمی‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۰۵)

نسخ ناپذیری نیز، همچون برخی دیگر از کارکردهای یاد شده، مورد اتفاق همگان نیست. از این کارکرد در کتب اصولی به نحو مستقل سخنی نرفته است؛ اما در فقه و تفسیر در مواردی، نظیر آن چه گذشت، مورد استشهاد واقع قرار گرفته است. علامه طباطبایی و مرحوم حسینی همدانی نسخ در آیات امتنانی را پذیرا نیستند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۴۸۴)، در مقابل اما آیت الله شبیری زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۵۲۱۷) و ابن عاشور، از مفسران اهل سنت، حکم امتنانی را قابل نسخ می‌دانند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰-۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۱۶۳ و ج ۲۱، ص ۲۹۰) آیه «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا» (نحل/۶۷) و نیز آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ» (احزاب/۵۰) از دیگر موارد ظهور این اختلاف است. اگر آیه ۶۷ سوره نحل امتنانی باشد امتنان به مسکر صورت گرفته است که مقتضی حلیت آن است. ابن عاشور این امتنان را می‌پذیرد و آیه را توسط آیات تحریم، منسوخ می‌داند. همچنین در آیه ۵۰ سوره احزاب ازدواج با زنانی که خود را به

رسول الله ﷺ می‌بخشند بدون هیچ محدودیتی در تعداد جایز دانسته شده است که اگر این حکم امتنانی دانسته شود و محدودیت بعدی نسخ آن به شمار آید گویای نسخ پذیری آیات امتنانی خواهد بود.

می‌توان این ویژگی خطاب امتنانی را در ماهیت نسخ ریشه‌دار دانست. توضیح آن که اگر نسخ را تخصیص ازمانی بدانیم این تخصیص با ویژگی ابا از تخصیص خطاب امتنانی تنافی دارد؛ اما چنانچه نسخ، رفع حکم باشد چنین مانعی وجود ندارد. راهکار دیگر در توجیه نسخ ناپذیری خطاب امتنانی آن است که حتی در صورتی که نسخ تخصیص ازمانی نباشد، رفع حکم امتنانی خلاف متوقع عرفی است به نحوی که صدور آن از خداوند انتظار نمی‌رود. بر این اساس تصدیق به نسخ، رخ نخواهد داد.

نتیجه

قرینه امتنان در مواردی پرشمار و گوناگون به کار گرفته شده است. با این وجود پیش از این به تحلیل چگونگی استفاده از این قرینه پرداخته نشده است. واژه «امتنان» از ماده (م.ن.ن) و در هیأت افتعال است و این کلمه می‌تواند در افاده معانی متعددی نظیر نعمت دادن یا اظهار نعمت کردن و نیز قطع کردن به کار گرفته شود. در اصطلاح این واژه به صورت مستقل تعریف نشده است و موارد استفاده آن از انضباط قابل توجهی برخوردار نیست، با این وجود با توجه به مصادیق امتنان، استفاده آن در موقعیت‌های گوناگون و نیز آثاری، نظیر ابا از تخصیص، که از کلمات امتنانی انتظار می‌رود می‌توان معنای مناسب آن را اظهار نعمت دانست. بر همین اساس معنای نعمت‌دادن و جعل ترخیص، که گاه در برخی کلمات به‌عنوان معنای این واژه انتخاب شده است، صحیح نیست.

اگرچه اظهار نعمت و منت‌نهادن در مواجهه نخست قبیح دانسته می‌شود و حتی از این قبیح در قرآن کریم نیز سخن رفته است؛ اما چنین نیست که این رفتار همواره قبیح باشد. امتنان از جانب خداوند، گاه طریقی برای استدلال و گاه دیگر لطفی برای تحقق شکر و گسترش نعمت است. چنین امتنانی قبیح نیست و بر این اساس دلیلی برای تأویل کلمات امتنانی وجود ندارد. کلمات امتنانی با کلماتی هستند که توسط شیوه‌هایی نظیر

استفاده از لام انتفاع، بیان اختصاص به امری مطلوب، اضافه به رسول‌الله ﷺ و یا بیان نعمتی که اعطا آن بر خداوند لازم نیست، کشف می‌شوند.

اگرچه امتنان به خودی خود، قبیح به شمار نمی‌آید، اما برای اجتناب از قبیح باید نکاتی در امتنان رعایت شود که در مقاله مذکور از این نکات با عنوان ویژگی‌های امتنان یاد شد. امتنان نسبت به افراد عام و اطراف عطف منحل می‌شود و بر این اساس همگی افراد عام حاضر در کلام امتنانی و نیز اطراف عطف در چنین کلامی امتنانی هستند. همچنین در کلام امتنانی تمامی آنچه ذکر آن لازم است بیان می‌شود و به تعبیری امتنان اقتضا آن دارد که کلام به‌تمامی ادا شود. از دیگر ویژگی‌های کلام امتنانی آن است که امتنان نباید به امری محقق شود که نزد عرف حقیر یا ناشناخته است. چنین امتنانی گذشته از استهجان آن، نقض غرض است و شکر یا استدلالی را به دنبال ندارد و چه‌بسا به استکبار و سرکشی بینجامد که بر این اساس می‌توان آن را خلاف لطف قلمداد کرد.

ویژگی‌های یاد شده، باعث می‌شود تا خطاب امتنانی به اموری فراتر از مفاد خود دلالت کند. دلالت بر این امور از سنخ دلالت مفادی کلام نیست و می‌توان آن را از مقوله دلالت اقتضا تلقی نمود. از نتایج این دلالت، اثبات عمومیت است. کارکرد دیگر امتنان، اثبات ابا از تخصیص است. این ویژگی ناشی از آن است که تخصیص در این موارد در صورت انشائی بودن خطاب، تخلف از وعده و در صورت خبری بودن آن، منت‌نهادن به غیر نعمت تلقی می‌شود که قبیح است. بر این اساس در تعارض خاص و عام امتنانی جمع عرفی وجود ندارد. اثبات تخصص در دوران بین تخصیص و تخصص دیگر کارکرد امتنان است. این کارکرد، در تحلیل، ریشه در ابا از تخصیص، دارد. همچنین امتنان در مواردی به کشف حکم شرعی، اعم از اباحه و وجوب می‌انجامد. پنجمین کارکرد امتنان اثبات مفهوم است. این کارکرد ریشه در ویژگی اقتضای تمامیت ذکر دارد. در نهایت کارکرد ششم این قرینه اثبات منسوخ نبودن خطاب امتنانی است.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. (تدوين محمود محمد طناحي، طاهر احمد زاوی) چاپ چهارم. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة*. چاپ اول. بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰-۱۴۲۱ق). *التحریر و التنویر*. چاپ اول. بیروت: موسسه التاريخ.
۴. ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابی بکر (۱۴۰۸ق). *احکام القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالجيل.
۵. ابن عجیبه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). *البحر المديد في تفسير قرآن المجيد*. چاپ اول. قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذيب اللغة*. چاپ اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۸. اصفهانی نجفی، محمد تقی (۱۴۲۹ق). *هدایة المسترشدين*. چاپ دوم. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). *کتاب النکاح*. چاپ اول. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۸ق). *فرائد الاصول*. چاپ نهم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۳۸۳ش). *مطرح الانظار*. چاپ دوم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۱۲. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
۱۳. تبریزی، موسی بن جعفر (۱۳۰۷ ه. ق). *فرائد الاصول مع حواشی اوثق الوسائل*. چاپ دوم. قم: سماء قلم.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه*. چاپ اول. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۵. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. چاپ اول تهران: کتابفروشی لطفی.
۱۶. حلی، حسین (۱۳۹۷ق). *اصول الفقه*. چاپ اول. قم: مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
۱۷. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۱). «مفهوم شناسی احکام امتنانی». *نشریه فقه*. ۱۹ (۴). ص ۱۰۷-۱۳۱.
۱۸. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۷). «تطبیقات فقهی آثار مخالفت با امتنان در اجرای براءت شرعی». *نشریه فقه*. ۲۵ (۳). ص ۲۹-۴۹.
۱۹. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۷). «تطبیقات فقهی شرط موافقت با امتنان در اجرای براءت شرعی». *نشریه فقه*. ۲۵ (۴). ص ۶-۲۷.
۲۰. خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۱۰ق). *دررالفوائد فی الحاشیه علی الفرائد*. چاپ اول. تهران: موسسه الطبع و النشر التابعه لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح الاصول*. چاپ اول. قم: مکتبه الداوری.
۲۲. [امام] خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. چاپ اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۲۳. [امام] خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ق). *القواعد الفقیه و الاجتهاد و التقليد (الرسائل)*. چاپ سوم. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالقلم.
۲۵. رضی الدین استرآبادی، م. ح (بی تا). *شرح شافیه ابن الحاجب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق). *قاعده لاضرر و لاضرار*. چاپ اول. قم: دفتر آیة الله سیستانی.
۲۷. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*. چاپ اول. قم: موسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۸. شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری.
۲۹. شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۶ق). *تمهید القواعد*. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۰. شیرازی، عبدالله (۱۴۲۷ق). *عمدة الوسائل فی الحاشیه علی الرسائل*. چاپ چهارم. مشهد: موسسه امیرالمومنین علیه السلام للثنون العلمیه و الخیریه.
۳۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الاصول*. چاپ سوم. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۳۲. طارمی، جواد (۱۳۰۶ق). *الحاشیه علی قوانین الاصول*. چاپ اول. تهران: ابراهیم باسماچی.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید (۱۴۳۱ق). *التفیح*. چاپ اول. بیروت: موسسه الحکمه الثقافه الاسلامیه.
۳۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ه.ش). *مجمع البحرین*. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.

۳۶. عاملی، حر محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. چاپ اول. قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۳۷. عاملی، بهاء‌الدین محمد بن حسین (۱۳۹۰ق). الحبل المتین فی احکام الدین. چاپ اول. قم: کتابفروشی بصیرتی.
۳۸. فاضل تونی، عبدالله (۱۴۱۵ق). الوافیة. چاپ دوم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳۹. فاضل مقداد، بن عبدالله سیوری (۱۴۲۵ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. چاپ اول. قم: انتشارات مرتضوی.
۴۰. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. چاپ سوم. بیروت: داراحیاء التراث.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
۴۲. فشارکی، محمدباقر بن محمدجعفر (۱۴۱۳ق). الرسائل الفشارکیه. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۳. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۳۱۹ق). حق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین. چاپ اول. تهران: شیخ احمد شیرازی.
۴۴. مجدخوانی، بهروز؛ فخلعی، محمدتقی؛ سلطانی، عباسعلی. «مفهوم شناسی امتنان و سنجش با واژگان مشابه». نشریه پژوهش‌های فقهی، ۱۵ (۴). ص ۶۰۱-۶۱۸.
۴۵. مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام. چاپ دوم. قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۴۶. نراقی، محمدمهدی بن ابی‌ذر (۱۳۸۸ش). انیس المجتهدین فی علم الاصول. چاپ اول. قم: موسسه بوستان کتاب.
۴۷. یزدی، سیدمحمدکاظم بن عبدالعزیز (۱۴۲۶ق). حاشیه فرائد الاصول. چاپ اول. قم: دارالهدی.